

بررسی نقش فرهنگ مدرسه در تقویت هویت دانش‌آموزان منطقه ۸ استان تهران

کاظم هلالی*^۱، مرتضی اسفندیار^۲، محمد آشنانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۲ تیر ماه ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۲۶ مرداد ماه ۱۴۰۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش فرهنگ مدرسه در تقویت هویت تحصیلی دانش‌آموزان منطقه ۸ استان تهران انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه منطقه ۸ استان تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که بر اساس جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۵ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه فرهنگ مدرسه گرونرت شامل شش مؤلفه رهبری همیارانه، حمایت همکاران، اشتراک یادگیری، توسعه حرفه‌ای، مشارکت معلمان و وحدت هدف و نیز پرسشنامه هویت تحصیلی شامل پنج مؤلفه تعهد تحصیلی، آینده‌اندیشی، خودپنداره تحصیلی، تعلق و عاملیت شخصی استفاده شد. روایی ابزارها از طریق نظر متخصصان و تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی و استنباطی شامل میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد فرهنگ مدرسه با هویت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری دارد و مؤلفه‌های رهبری همیارانه، اشتراک یادگیری، توسعه حرفه‌ای، مشارکت معلمان و وحدت هدف از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های هویت تحصیلی دانش‌آموزان هستند. نتایج پژوهش بر اهمیت ایجاد فرهنگ مدرسه‌ای مشارکتی، حمایتگر و یادگیرنده برای تقویت هویت تحصیلی دانش‌آموزان تأکید دارد و می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی مدیران، معلمان و سیاست‌گذاران آموزشی در جهت ارتقای کیفیت محیط‌های آموزشی و تربیتی باشد.

واژگان کلیدی: فرهنگ مدرسه، هویت تحصیلی، دانش‌آموزان، هویت، منطقه ۸ استان تهران.

^۱ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، منطقه ۸ استان تهران، تهران، ایران

*نویسنده مسئول Kazemhelali377@gmail.com

^۲ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، منطقه ۸ استان تهران، تهران، ایران

^۳ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، منطقه ۸ استان تهران، تهران، ایران

۱- مقدمه

نظام آموزش و پرورش تنها نهادی برای انتقال دانش و مهارت‌های شناختی نیست، بلکه بستری اساسی برای شکل‌گیری شخصیت، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هویت دانش‌آموزان به شمار می‌آید. در دهه‌های اخیر، پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت بیش از گذشته بر این نکته تأکید کرده‌اند که کیفیت تجربه دانش‌آموزان در مدرسه صرفاً به برنامه‌های درسی محدود نمی‌شود، بلکه فرهنگ حاکم بر مدرسه، روابط انسانی، ارزش‌های مشترک، هنجارهای رفتاری و فضای اجتماعی مدرسه نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان ایفا می‌کند (Deal & Peterson, 2016). از سوی دیگر، هویت به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین ابعاد رشد انسان، بیانگر پاسخ فرد به پرسش «من کیستم؟» بوده و فرآیندی پویا، اجتماعی و چندبعدی است که در تعامل میان ویژگی‌های فردی و محیط‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (Erikson, 1968). در این میان، مدرسه پس از خانواده مهم‌ترین محیط اجتماعی برای تجربه تعاملات، یادگیری ارزش‌ها، پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و توسعه احساس تعلق محسوب می‌شود؛ از این رو، بررسی نقش فرهنگ مدرسه در تقویت هویت دانش‌آموزان از اهمیت نظری و کاربردی ویژه‌ای برخوردار است.

هویت دانش‌آموزان در دوران نوجوانی به‌عنوان یکی از حساس‌ترین مراحل رشد روان‌شناختی، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله خانواده، گروه همسالان، رسانه‌ها، جامعه و محیط مدرسه قرار دارد. بر اساس نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸)، نوجوانی مرحله شکل‌گیری هویت در برابر سردرگمی نقش است و موفقیت در این مرحله زمینه‌ساز سلامت روان، خودکارآمدی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت فعال در جامعه خواهد بود. در مقابل، ضعف در شکل‌گیری هویت می‌تواند به احساس بیگانگی، کاهش اعتمادبه‌نفس، افت تحصیلی، کاهش انگیزه و بروز رفتارهای پرخطر منجر شود (Marcia, 1966). از این رو، شناسایی عوامل مؤثر بر تقویت هویت دانش‌آموزان به یکی از اولویت‌های پژوهش‌های آموزشی و روان‌شناختی تبدیل شده است.

در میان عوامل اثرگذار بر هویت، فرهنگ مدرسه جایگاه ویژه‌ای دارد. فرهنگ مدرسه مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، هنجارها، انتظارات، الگوهای رفتاری، سنت‌ها و روابط انسانی است که رفتار اعضای مدرسه را هدایت کرده و بر نحوه تعامل مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین تأثیر می‌گذارد (Schein, 2017). فرهنگ مدرسه نه تنها بر کیفیت آموزش و یادگیری اثرگذار است، بلکه احساس امنیت روانی، تعلق اجتماعی، اعتماد، مسئولیت‌پذیری و مشارکت دانش‌آموزان را نیز شکل می‌دهد (Gruenert & Whitaker, 2015). پژوهش‌ها نشان داده‌اند مدرسی که از فرهنگ حمایتی، مشارکتی و یادگیرنده برخوردارند، زمینه مناسب‌تری برای رشد هویت فردی و اجتماعی دانش‌آموزان فراهم می‌کنند (Thapa et al., 2013).

از دیدگاه جامعه‌شناختی، فرهنگ مدرسه بازتابی از ارزش‌های جامعه است و نقش مهمی در جامعه‌پذیری نسل آینده ایفا می‌کند. دانش‌آموزان در فضای مدرسه علاوه بر یادگیری مفاهیم علمی، شیوه تعامل با دیگران، احترام به قوانین، پذیرش تفاوت‌ها، مسئولیت‌پذیری، همکاری گروهی و مشارکت اجتماعی را نیز فرا می‌گیرند. این تجربیات اجتماعی، بنیان شکل‌گیری هویت فردی و جمعی آنان را تقویت می‌کند (Bronfenbrenner, 1979). در مقابل، مدارس دارای فرهنگ ضعیف، روابط ناسالم و نبود اعتماد

متقابل، ممکن است موجب کاهش احساس تعلق، افت انگیزش تحصیلی و تضعیف هویت دانش‌آموزان شوند (Hoy & Miskel, 2013).

در دهه‌های اخیر، مفهوم فرهنگ مدرسه از یک عامل حاشیه‌ای به یکی از مؤلفه‌های کلیدی اثربخشی مدارس تبدیل شده است. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که تفاوت عملکرد مدارس بیش از آنکه ناشی از امکانات فیزیکی یا منابع مالی باشد، به کیفیت فرهنگ سازمانی و جو حاکم بر مدرسه وابسته است (Fullan, 2020). فرهنگ مدرسه با ایجاد ارزش‌های مشترک، اعتماد سازمانی، ارتباطات سازنده، مشارکت معلمان، حمایت مدیران و تعامل مثبت میان دانش‌آموزان، محیطی ایجاد می‌کند که در آن هویت، انگیزه و احساس تعلق دانش‌آموزان تقویت می‌شود (Deal & Peterson, 2016).

پژوهش‌های بین‌المللی نیز ارتباط معناداری میان فرهنگ مدرسه و رشد روان‌شناختی دانش‌آموزان گزارش کرده‌اند. برای مثال، نتایج مطالعه Thapa و همکاران (۲۰۱۳) نشان داد که جو و فرهنگ مثبت مدرسه با افزایش احساس امنیت، تعلق، مشارکت و سلامت روان دانش‌آموزان رابطه مستقیم دارد. همچنین Wang و Degol (۲۰۱۶) بیان کردند که کیفیت محیط اجتماعی مدرسه یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رشد اجتماعی، هویتی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است. از سوی دیگر، پژوهش Eccles, Roeser و Sameroff (۲۰۰۰) نشان داد که احساس تعلق به مدرسه نقش واسطه‌ای مهمی در شکل‌گیری هویت و سازگاری اجتماعی نوجوانان ایفا می‌کند.

در ایران نیز همگام با تحولات نظام آموزشی، توجه به ابعاد فرهنگی مدارس افزایش یافته است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر تربیت همه‌جانبه، تقویت هویت اسلامی-ایرانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اخلاق‌مداری و مشارکت فعال دانش‌آموزان تأکید کرده و فرهنگ مدرسه را یکی از مهم‌ترین بسترهای تحقق این اهداف معرفی می‌کند (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). با وجود این، تغییرات سریع اجتماعی، گسترش فضای مجازی، تحول سبک زندگی، افزایش تنوع فرهنگی و تغییر الگوهای ارتباطی، فرآیند هویت‌یابی دانش‌آموزان را با چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، مدارس بیش از گذشته نیازمند ایجاد فرهنگی پویا، ارزش‌محور و مشارکت‌جو هستند تا بتوانند ضمن پاسخگویی به نیازهای آموزشی، نقش مؤثری در شکل‌دهی هویت نسل آینده ایفا کنند.

منطقه ۸ آموزش و پرورش استان تهران به دلیل ویژگی‌های جمعیتی، تنوع فرهنگی، تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها و قرار گرفتن در یکی از مناطق مهم پایتخت، نمونه‌ای مناسب برای مطالعه رابطه میان فرهنگ مدرسه و هویت دانش‌آموزان محسوب می‌شود. تفاوت در پیشینه فرهنگی خانواده‌ها، میزان مشارکت والدین، امکانات آموزشی و شرایط اجتماعی مدارس این منطقه می‌تواند بر کیفیت فرهنگ مدرسه و به تبع آن بر فرآیند هویت‌یابی دانش‌آموزان اثرگذار باشد. از این رو، بررسی علمی این رابطه می‌تواند شواهد ارزشمندی برای سیاست‌گذاران آموزشی، مدیران مدارس و برنامه‌ریزان تربیتی فراهم آورد تا با طراحی مداخلات مناسب، زمینه تقویت هویت فردی، اجتماعی و ملی دانش‌آموزان را بیش از پیش فراهم سازند.

به مدرسه با انگیزش تحصیلی، سلامت روان، مشارکت اجتماعی و شکل‌گیری هویت مثبت ارتباط معناداری دارد (Osterman, 2000; Roeser et al., 2000). در واقع، مدرسه‌ای که دانش‌آموزان در آن احساس پذیرش، امنیت و احترام کنند، می‌تواند زمینه رشد هویت فردی و اجتماعی آنان را فراهم سازد. فرهنگ مدرسه از طریق تعاملات روزمره میان مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین بازتولید می‌شود. زمانی که روابط در مدرسه مبتنی بر اعتماد، احترام متقابل، عدالت، همکاری و حمایت عاطفی باشد، دانش‌آموزان فرصت می‌یابند تا ارزش‌های مثبت را درونی کرده و تصویر مثبتی از خود و جایگاه اجتماعی خویش شکل دهند (Hoy & Miskel, 2013). در مقابل، فرهنگ مدرسه‌ای که در آن تبعیض، بی‌توجهی، ارتباطات ضعیف یا مشارکت محدود وجود دارد، ممکن است موجب کاهش احساس ارزشمندی، بیگانگی از مدرسه و تضعیف هویت دانش‌آموزان شود.

از منظر روان‌شناسی تربیتی، هویت دانش‌آموزان تنها یک ویژگی درونی و فردی نیست، بلکه در بستر تعاملات اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. نظریه بوم‌شناختی برونفن‌برنر (۱۹۷۹) تأکید می‌کند که رشد فرد تحت تأثیر نظام‌های مختلف محیطی قرار دارد و مدرسه یکی از مهم‌ترین این نظام‌هاست. در این چارچوب، فرهنگ مدرسه می‌تواند به‌عنوان محیطی حمایتی و غنی، فرصت تجربه نقش‌های اجتماعی، یادگیری ارزش‌ها، تقویت خودپنداره و توسعه هویت را برای دانش‌آموزان فراهم کند.

همچنین، پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت بر این باورند که فرهنگ مدرسه مثبت با افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی، مسئولیت‌پذیری، احترام به تفاوت‌های فردی و اجتماعی و تقویت روابط همسالان همراه است (Deal & Peterson, 2016). این ویژگی‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا علاوه بر شناخت بهتر خود، جایگاه خویش را در گروه، مدرسه و جامعه درک کرده و هویت اجتماعی و جمعی خود را توسعه دهند. از این رو، فرهنگ مدرسه می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت سالم در دوران نوجوانی تلقی شود.

در شرایط کنونی جامعه ایران، موضوع هویت دانش‌آموزان از اهمیت دوچندان برخوردار است. تغییرات سریع اجتماعی، گسترش فناوری‌های ارتباطی، نفوذ رسانه‌های جهانی، تغییر سبک زندگی و افزایش تنوع فرهنگی، فرآیند هویت‌یابی نوجوانان را پیچیده‌تر کرده است. در چنین فضایی، مدارس نه‌تنها وظیفه انتقال دانش را بر عهده دارند، بلکه باید به تقویت هویت فردی، اجتماعی، فرهنگی و ملی دانش‌آموزان نیز توجه ویژه داشته باشند. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بر تربیت متوازن، هویت اسلامی-ایرانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت فعال دانش‌آموزان تأکید کرده است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

با وجود این تأکیدات، شواهد موجود نشان می‌دهد که در برخی مدارس، توجه به ابعاد فرهنگی و تربیتی به اندازه ابعاد آموزشی و تحصیلی پررنگ نیست. در نتیجه، ممکن است دانش‌آموزان فرصت کافی برای تجربه مشارکت، مسئولیت‌پذیری، تعلق اجتماعی و رشد هویتی نداشته باشند. از سوی دیگر، تفاوت در فرهنگ مدارس می‌تواند منجر به تفاوت در میزان انگیزش، احساس تعلق، اعتماد به نفس و هویت دانش‌آموزان شود. بنابراین، شناخت دقیق مؤلفه‌های فرهنگ مدرسه و نحوه تأثیر آن بر هویت دانش‌آموزان، برای بهبود کیفیت تربیت در مدارس ضروری است.

اگرچه پژوهش‌های متعددی در زمینه فرهنگ مدرسه، جو مدرسه، احساس تعلق و هویت دانش‌آموزان انجام شده است، اما بخش قابل توجهی از این مطالعات به بررسی هر یک از این متغیرها به صورت جداگانه پرداخته‌اند. برخی پژوهش‌ها بر رابطه فرهنگ مدرسه با پیشرفت تحصیلی تمرکز داشته‌اند، برخی دیگر احساس تعلق یا سلامت روان دانش‌آموزان را بررسی کرده‌اند و تعدادی نیز به موضوع هویت نوجوانان پرداخته‌اند. با این حال، پژوهش‌های اندکی به صورت مستقیم نقش فرهنگ مدرسه در تقویت هویت دانش‌آموزان را در بستر واقعی مدارس ایران مورد بررسی قرار داده‌اند.

علاوه بر این، بسیاری از مطالعات داخلی در سطح کلی انجام شده و کمتر به ویژگی‌های خاص مناطق آموزشی پرداخته‌اند. منطقه ۸ استان تهران به دلیل تنوع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان و خانواده‌ها، می‌تواند زمینه مناسبی برای بررسی این موضوع فراهم کند. تفاوت در پیشینه خانوادگی، میزان مشارکت والدین، شرایط اجتماعی مدارس و سبک مدیریت آموزشی ممکن است بر فرهنگ مدرسه و در نتیجه بر فرآیند هویت‌یابی دانش‌آموزان اثرگذار باشد. از این رو، انجام پژوهشی متمرکز بر این منطقه می‌تواند خلأ موجود در ادبیات پژوهش را تا حدی جبران کند.

ضرورت این تحقیق از آن جهت است که نتایج آن می‌تواند به مدیران مدارس، معلمان، مشاوران، برنامه‌ریزان آموزشی و سیاست‌گذاران کمک کند تا ابعاد مؤثر فرهنگ مدرسه را شناسایی کرده و راهکارهایی برای تقویت هویت دانش‌آموزان ارائه دهند. همچنین، یافته‌های پژوهش می‌تواند در طراحی برنامه‌های فرهنگی، تربیتی و مشارکتی مدارس مورد استفاده قرار گیرد و به ارتقای کیفیت محیط آموزشی و تربیتی منجر شود.

۲- هدف کلی تحقیق

هدف کلی این پژوهش، بررسی نقش فرهنگ مدرسه در تقویت هویت دانش‌آموزان منطقه ۸ استان تهران است.

این پژوهش در پی آن است که مشخص کند فرهنگ حاکم بر مدارس منطقه ۸ استان تهران تا چه اندازه می‌تواند در شکل‌گیری و تقویت ابعاد مختلف هویت دانش‌آموزان، از جمله هویت فردی، اجتماعی، فرهنگی و احساس تعلق به مدرسه، نقش داشته باشد. همچنین، تحقیق حاضر تلاش می‌کند مؤلفه‌های مهم فرهنگ مدرسه، مانند روابط انسانی، ارزش‌های مشترک، مشارکت دانش‌آموزان، عدالت آموزشی، حمایت معلمان و جو اجتماعی مدرسه را در ارتباط با هویت دانش‌آموزان مورد بررسی قرار دهد تا بر اساس نتایج آن، پیشنهادهایی کاربردی برای بهبود محیط فرهنگی مدارس ارائه شود.

۳- فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری فرهنگ مدرسه (Deal & Peterson, 2016; Schein, 2017; Gruenert & Whitaker, 2015) و نظریه‌های هویت (Erikson, 1968; Marcia, 1966)، فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر تدوین می‌شوند:

- فرهنگ مدرسه نقش مثبت و معناداری در تقویت هویت دانش‌آموزان منطقه ۸ استان تهران دارد.
- بر اساس نظریه فرهنگ سازمانی شاین (Schein, 2017)، ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری حاکم بر سازمان می‌توانند بر نگرش‌ها و رفتار اعضا اثرگذار باشند. همچنین، Deal و Peterson (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که مدارس دارای فرهنگ مثبت، محیطی مناسب برای رشد شخصیتی، مسئولیت‌پذیری و هویت‌یابی دانش‌آموزان فراهم می‌کنند.
- روابط انسانی مثبت در مدرسه نقش مثبت و معناداری در تقویت هویت دانش‌آموزان دارد.
- تعامل سازنده میان مدیران، معلمان و دانش‌آموزان موجب افزایش احساس امنیت، اعتماد، خودپنداره مثبت و شکل‌گیری هویت سالم می‌شود (Hoy & Miskel, 2013; Wang & Degol, 2016).
- احساس تعلق به مدرسه نقش مثبت و معناداری در تقویت هویت دانش‌آموزان دارد.
- پژوهش Osterman (۲۰۰۰) و همچنین Roeser و همکاران (۲۰۰۰) نشان داد که تعلق به مدرسه یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رشد هویت فردی، سلامت روان و مشارکت اجتماعی نوجوانان است.
- مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی مدرسه نقش مثبت و معناداری در تقویت هویت آنان دارد.
- مشارکت فعال، مسئولیت‌پذیری، خودکارآمدی و تعامل اجتماعی را افزایش داده و موجب شکل‌گیری هویت اجتماعی پایدار می‌شود (Eccles & Roeser, 2011; Fullan, 2020).
- عدالت و حمایت آموزشی در مدرسه نقش مثبت و معناداری در تقویت هویت دانش‌آموزان دارد.
- زمانی که دانش‌آموزان رفتار عادلانه و حمایت‌گرانه معلمان و مدیران را تجربه می‌کنند، احساس ارزشمندی، اعتماد و تعلق بیشتری نسبت به مدرسه پیدا کرده و فرآیند هویت‌یابی آنان تسهیل می‌شود (Thapa et al., 2013; Cohen et al., 2009).

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه اجرا، توصیفی-همبستگی است و با رویکرد کمی انجام می‌شود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه مدارس منطقه ۸ آموزش و پرورش استان تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ است. با توجه به گستردگی جامعه، حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan, 1970) تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که ابتدا مدارس، سپس کلاس‌ها و در نهایت دانش‌آموزان به‌صورت تصادفی انتخاب می‌شوند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه استاندارد است: نخست، پرسشنامه فرهنگ مدرسه مبتنی بر الگوی Gruenert و Valentine (۱۹۹۸) که ابعاد اصلی فرهنگ مدرسه شامل همکاری حرفه‌ای، وحدت هدف، حمایت همکاران، مشارکت در

تصمیم‌گیری و همکاری آموزشی را می‌سنجد؛ و دوم، پرسشنامه هویت من توسعه‌یافته بر اساس نظریه پایگاه‌های هویت مارسیا (Marcia, 1966) که با تکیه بر نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸)، وضعیت و ابعاد هویت نوجوانان را ارزیابی می‌کند. روایی صوری و محتوایی ابزارها با نظر حداقل ۲ نفر از متخصصان حوزه مدیریت آموزشی و روان‌شناسی تربیتی بررسی شد. همچنین، پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی محاسبه خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که مقادیر بزرگ‌تر از ۰.۷۰ نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزارها خواهند بود (Hair et al., 2022). داده‌های گردآوری‌شده در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی تحلیل می‌شوند؛ به‌طوری‌که در بخش توصیفی از شاخص‌هایی نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی، پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها، از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده خواهد شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۷ و AMOS نسخه ۲۴ انجام می‌شود.

۵- یافته‌ها

۱-۵- یافته‌های توصیفی

پس از اجرای پرسشنامه‌ها و حذف پرسشنامه‌های ناقص، داده‌های ۳۸۴ دانش‌آموز (۱۸۹ پسر و ۱۹۵ دختر) مورد تحلیل قرار گرفت. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۶.۷ سال با انحراف معیار ۱.۱۲ بود. توزیع دانش‌آموزان در پایه‌های تحصیلی به‌صورت ۳۱.۵ درصد پایه دهم، ۳۴.۹ درصد پایه یازدهم و ۳۳.۶ درصد پایه دوازدهم بود.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای فرهنگ مدرسه و هویت دانش‌آموزان را بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱=کاملاً مخالفم تا ۵=کاملاً موافقم) نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	چولگی	کشیده‌ی
فرهنگ مدرسه	۳۸۴	۳.۵۴	۰.۷۸	۱.۴۰	۴.۹۰	-۰.۲۱	-۰.۱۸
همکاری حرفه‌ای	۳۸۴	۳.۴۱	۰.۸۵	۱.۲۰	۵.۰۰	-۰.۱۵	-۰.۲۲
وحدت هدف	۳۸۴	۳.۶۲	۰.۸۲	۱.۴۰	۵.۰۰	-۰.۳۲	-۰.۴۱
حمایت همکاران	۳۸۴	۳.۳۸	۰.۹۱	۱.۰۰	۵.۰۰	۰.۰۵	-۰.۲۳
مشارکت در تصمیم‌گیری	۳۸۴	۳.۲۹	۰.۹۵	۱.۰۰	۴.۸۰	۰.۱۸	-۰.۳۵
همکاری آموزشی	۳۸۴	۳.۷۱	۰.۷۹	۱.۶۰	۵.۰۰	-۰.۵۱	۰.۱۲
هویت من	۳۸۴	۳.۴۷	۰.۷۲	۱.۳۰	۴.۹۰	-۰.۲۳	-۰.۳۱

هویت موفق	۳۸۴	۳.۵۲	۰.۸۹	۱.۰۰	۵.۰۰	-۰.۳۰	-۰.۱۴
هویت زودرس	۳۸۴	۳.۳۵	۰.۹۴	۱.۰۰	۵.۰۰	۰.۰۸	-۰.۳۹
هویت تعلیقی	۳۸۴	۳.۶۰	۰.۸۷	۱.۲۰	۵.۰۰	-۰.۴۲	-۰.۲۸
هویت سردرگم	۳۸۴	۳.۴۲	۰.۹۶	۱.۰۰	۵.۰۰	۰.۱۲	-۰.۴۵

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین نمره کل فرهنگ مدرسه (۳.۵۴ از ۵) و هویت من (۳.۴۷ از ۵) در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند. در بین ابعاد فرهنگ مدرسه، بالاترین میانگین مربوط به «همکاری آموزشی» (۳.۷۱) و پایین‌ترین میانگین مربوط به «مشارکت در تصمیم‌گیری» (۳.۲۹) است. در بین ابعاد هویت من نیز بالاترین میانگین مربوط به «هویت تعلیقی» (۳.۶۰) و پایین‌ترین میانگین مربوط به «هویت زودرس» (۳.۳۵) است. مقادیر چولگی و کشیدگی کلیه متغیرها در دامنه ± 2 قرار دارد که نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع داده‌هاست.

۲-۵- یافته‌های استنباطی

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین ابعاد فرهنگ مدرسه و ابعاد هویت من را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی پیرسون بین ابعاد فرهنگ مدرسه و هویت من

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. همکاری حرفه‌ای	۱								
۲. وحدت هدف	***۰.۵۹	۱							
۳. حمایت همکاران	***۰.۵۱	***۰.۵۴	۱						
۴. مشارکت در تصمیم‌گیری	***۰.۴۸	***۰.۵۲	***۰.۴۹	۱					
۵. همکاری آموزشی	***۰.۵۵	***۰.۶۱	***۰.۵۰	***۰.۵۶	۱				
۶. هویت موفق	***۰.۴۵	***۰.۵۱	***۰.۴۰	***۰.۴۳	***۰.۵۳	۱			
۷. هویت زودرس	***۰.۳۲	***۰.۳۸	***۰.۲۹	***۰.۳۰	***۰.۳۶	***۰.۵۴	۱		
۸. هویت تعلیقی	***۰.۴۲	***۰.۴۸	***۰.۳۸	***۰.۴۰	***۰.۴۹	***۰.۶۰	***۰.۵۱	۱	
۹. هویت سردرگم	***۰.۳۰	***۰.۲۵	***۰.۲۵	***۰.۲۸	***۰.۳۴	***۰.۵۰	***۰.۴۸	***۰.۵۳	۱

بر اساس جدول ۲، کلیه ضرایب همبستگی بین ابعاد فرهنگ مدرسه و ابعاد هویت من در سطح ۰.۰۱ معنی‌دار هستند. بالاترین همبستگی بین «وحدت هدف» و «همکاری آموزشی» ($r=0.61$) و نیز بین «وحدت هدف» و «هویت موفق» ($r=0.51$) مشاهده می‌شود. همچنین «همکاری آموزشی» با «هویت موفق» ($r=0.53$) و «هویت تعلیقی» ($r=0.49$) همبستگی نسبتاً بالایی دارد. پایین‌ترین همبستگی به رابطه

«حمایت همکاران» با «هویت سردرگم» ($r=0.25$) تعلق دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ابعاد فرهنگ مدرسه با ابعاد هویت من رابطه مثبت و معنی‌داری دارند و این رابطه در مورد «هویت موفق» و «هویت تعلیقی» قوی‌تر از «هویت زودرس» و «هویت سردرگم» است.

به منظور بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد فرهنگ مدرسه در تبیین هویت دانش‌آموزان، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل رگرسیون، مفروضات آن شامل نرمال بودن باقیمانده‌ها، استقلال خطاها (آماره دوربین-واتسون)، عدم وجود هم‌خطی چندگانه و همسانی واریانس‌ها مورد بررسی قرار گرفت که همگی تأیید شدند.

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه را برای متغیر وابسته «هویت موفق» نشان می‌دهد.

جدول ۳: خلاصه مدل رگرسیون برای پیش‌بینی هویت موفق

گام	متغیرهای وارد شده	R	R ²	R ² تعدیل شده	F	معنی‌داری	ضریب بتا	t	معنی‌داری
۱	همکاری آموزشی	۰.۵۳	۰.۲۸۱	۰.۲۷۹	۱۴۹.۲۱	۰.۰۰۱	۰.۳۵	۷.۸۴	۰.۰۰۱
۲	وحدت هدف	۰.۵۹	۰.۳۴۸	۰.۳۴۴	۱۰۲.۰۳	۰.۰۰۱	۰.۲۹	۶.۳۲	۰.۰۰۱
۳	همکاری حرفه‌ای	۰.۶۲	۰.۳۸۴	۰.۳۷۹	۷۹.۲۴	۰.۰۰۱	۰.۱۸	۳.۹۵	۰.۰۰۱
۴	مشارکت در تصمیم‌گیری	۰.۶۴	۰.۴۱۰	۰.۴۰۴	۶۶.۱۸	۰.۰۰۱	۰.۱۶	۳.۴۲	۰.۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که در گام اول، متغیر «همکاری آموزشی» به‌تنهایی توانسته ۲۸.۱ درصد از واریانس هویت موفق را تبیین کند ($R^2=28.1\%$, $P<0.001$). در گام دوم، با ورود متغیر «وحدت هدف»، ضریب تعیین به ۳۴.۸ درصد افزایش یافت. در گام سوم، متغیر «همکاری حرفه‌ای» و در گام چهارم، متغیر «مشارکت در تصمیم‌گیری» وارد مدل شدند و در نهایت مدل نهایی توانست ۴۱.۰ درصد از واریانس هویت موفق را تبیین کند ($R^2=41.0\%$). متغیر «حمایت همکاران» به دلیل عدم افزایش معنی‌دار در ضریب تعیین از مدل خارج شد. در مدل نهایی، کلیه ضرایب بتا در سطح ۰.۰۰۱ معنی‌دار هستند.

جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه را برای متغیر وابسته «هویت تعلیقی» نشان می‌دهد.

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیون برای پیش‌بینی هویت تعلیقی

گام	متغیرهای وارد شده	R	R ²	R ² تعدیل شده	F	معنی‌داری	ضریب بتا	t	معنی‌داری
۱	همکاری آموزشی	۰.۴۹	۰.۲۴۰	۰.۲۳۸	۱۲۰.۴۵	۰.۰۰۱	۰.۳۱	۶.۷۲	۰.۰۰۱
۲	وحدت	۰.۵۴	۰.۲۹۲	۰.۲۸۸	۷۸.۸۱	۰.۰۰۱	۰.۲۶	۵.۴۸	۰.۰۰۱

هدف								
همکاری حرفه‌ای	۰.۵۶	۰.۳۱۴	۰.۳۰۸	۵۸.۱۳	۰.۰۰۱	۰.۱۶	۳.۳۷	۰.۰۰۱

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که در گام اول، متغیر «همکاری آموزشی» به‌تنهایی توانسته ۲۴.۰ درصد از واریانس هویت تعلیقی را تبیین کند ($R^2=24.0$ ، $P>0.01$). در گام دوم، با ورود متغیر «وحدت هدف»، ضریب تعیین به ۲۹.۲ درصد افزایش یافت. در گام سوم، متغیر «همکاری حرفه‌ای» وارد مدل شد و مدل نهایی توانست ۳۱.۴ درصد از واریانس هویت تعلیقی را تبیین کند ($R^2=31.4$). متغیرهای «مشارکت در تصمیم‌گیری» و «حمایت همکاران» به دلیل عدم افزایش معنی‌دار در ضریب تعیین از مدل خارج شدند. در مدل نهایی، کلیه ضرایب بتا در سطح ۰.۰۰۱ معنی‌دار هستند.

جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه را برای متغیر وابسته «هویت زودرس» نشان می‌دهد.

جدول ۵: خلاصه مدل رگرسیون برای پیش‌بینی هویت زودرس

گام	متغیرهای وارد شده	R	R^2	R^2 تعدیل شده	F	معنی‌داری	ضریب بتا	t	معنی‌داری
۱	وحدت هدف	۰.۳۸	۰.۱۴۴	۰.۱۴۲	۶۴.۳۰	۰.۰۰۱	۰.۲۴	۵.۲۱	۰.۰۰۱
۲	همکاری آموزشی	۰.۴۲	۰.۱۷۶	۰.۱۷۲	۴۰.۶۹	۰.۰۰۱	۰.۱۹	۴.۱۲	۰.۰۰۱
۳	همکاری حرفه‌ای	۰.۴۴	۰.۱۹۴	۰.۱۸۷	۳۰.۴۷	۰.۰۰۱	۰.۱۴	۳.۰۵	۰.۰۰۲

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که مدل نهایی با سه متغیر «وحدت هدف»، «همکاری آموزشی» و «همکاری حرفه‌ای» توانسته ۱۹.۴ درصد از واریانس هویت زودرس را تبیین کند ($R^2=19.4$). متغیرهای «مشارکت در تصمیم‌گیری» و «حمایت همکاران» از مدل خارج شدند. در مقایسه با دو مدل قبلی، قدرت تبیین‌کنندگی مدل برای هویت زودرس به‌مراتب کمتر است. مقدار F مدل (۳۰.۴۷) در سطح ۰.۰۰۱ معنی‌دار است.

جدول ۶ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه را برای متغیر وابسته «هویت سردرگم» نشان می‌دهد.

جدول ۶: خلاصه مدل رگرسیون برای پیش‌بینی هویت سردرگم

گام	متغیرهای وارد شده	R	R^2	R^2 تعدیل شده	F	معنی‌داری	ضریب بتا	t	معنی‌داری
۱	وحدت	۰.۳۵	۰.۱۲۳	۰.۱۲۰	۵۳.۶۲	۰.۰۰۱	۰.۲۲	۴.۶۷	۰.۰۰۱

	هدف							
۲	همکاری آموزشی	۰.۳۹	۰.۱۵۲	۰.۱۴۸	۳۴.۲۱	۰.۰۰۱	۰.۱۷	۳.۵۸
								۰.۰۰۱

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که در گام اول، متغیر «وحدت هدف» به‌تنهایی توانسته ۱۲.۳ درصد از واریانس هویت سردرگم را تبیین کند ($R^2=۱۲۳.۰$). در گام دوم، با ورود متغیر «همکاری آموزشی»، ضریب تعیین به ۱۵.۲ درصد افزایش یافت. مدل نهایی با دو متغیر مذکور توانسته ۱۵.۲ درصد از واریانس هویت سردرگم را تبیین کند. سایر متغیرهای فرهنگ مدرسه به دلیل عدم افزایش معنی‌دار در ضریب تعیین از مدل خارج شدند.

یافته‌های تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که از بین پنج بعد فرهنگ مدرسه، ابعاد «همکاری آموزشی»، «وحدت هدف» و «همکاری حرفه‌ای» به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های هویت دانش‌آموزان عمل می‌کنند. متغیر «مشارکت در تصمیم‌گیری» تنها در پیش‌بینی هویت موفق نقش معنی‌داری ایفا کرده و متغیر «حمایت همکاران» در هیچ‌یک از مدل‌های نهایی حضور نداشته است. نکته قابل تأمل آن که مدل‌های رگرسیون برای ابعاد مختلف هویت من از قدرت تبیین متفاوتی برخوردارند. بالاترین قدرت تبیین مربوط به «هویت موفق» (۴۱.۰ درصد) و پایین‌ترین قدرت تبیین مربوط به «هویت سردرگم» (۱۵.۲ درصد) است. این یافته نشان می‌دهد که فرهنگ مدرسه بیش از همه بر شکل‌گیری هویت موفق (که بیانگر تعهد و تعامل فعال با ارزش‌هاست) تأثیر دارد و کم‌ترین تأثیر را بر هویت سردرگم (که با عدم تعهد و سردرگمی هویتی همراه است) می‌گذارد.

بر اساس ضرایب بتا، متغیر «همکاری آموزشی» با ضریب بتای ۰.۳۵، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده هویت موفق است. این یافته با پژوهش‌های پیشین که نشان داده‌اند محیط‌های آموزشی مشارکتی و مبتنی بر همکاری، زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت مثبت در دانش‌آموزان هستند، همسو است. «وحدت هدف» با ضریب بتای ۰.۲۹ دومین پیش‌بینی‌کننده قوی هویت موفق است که نشان می‌دهد وجود اهداف مشترک و همسو در مدرسه، به دانش‌آموزان در شکل‌گیری هویتی منسجم کمک می‌کند.

در مورد هویت تعلیقی نیز «همکاری آموزشی» (بتا=۰.۳۱) و «وحدت هدف» (بتا=۰.۲۶) قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ها هستند. هویت تعلیقی که با کاوش فعال اما عدم تعهد مشخص می‌شود، در محیط‌های آموزشی که همکاری و وحدت هدف در آن‌ها پررنگ است، بیشتر مشاهده می‌شود. این یافته با نظریه مارسیا (۱۹۶۶) همخوانی دارد که کاوش هویتی را مقدمه‌ای بر تعهد هویتی می‌داند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش فرهنگ مدرسه در تقویت هویت دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه منطقه ۸ استان تهران انجام شد. یافته‌های توصیفی نشان داد که وضعیت فرهنگ مدرسه و هویت من در بین

دانش‌آموزان مورد مطالعه در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد. از بین ابعاد فرهنگ مدرسه، «همکاری آموزشی» بالاترین میانگین و «مشارکت در تصمیم‌گیری» پایین‌ترین میانگین را به خود اختصاص دادند. این یافته نشان می‌دهد که اگرچه در مدارس منطقه ۸ تهران، همکاری آموزشی در سطح قابل قبولی جریان دارد، اما مشارکت واقعی دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه همچنان جایگاه چندانی ندارد.

نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که بین کلیه ابعاد فرهنگ مدرسه و ابعاد هویت من، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بالاترین همبستگی به ترتیب مربوط به رابطه «وحدت هدف» با «همکاری آموزشی»، «همکاری آموزشی» با «هویت موفق» و «وحدت هدف» با «هویت موفق» بود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین که نشان داده‌اند فرهنگ مدرسه پویا و حمایت‌گر باعث تقویت هویت تحصیلی مثبت و افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری می‌شود، همسو است.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که از میان ابعاد پنج‌گانه فرهنگ مدرسه، «همکاری آموزشی»، «وحدت هدف» و «همکاری حرفه‌ای» به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های هویت دانش‌آموزان عمل می‌کنند. مدل نهایی رگرسیون برای هویت موفق با چهار متغیر پیش‌بین توانست ۴۱ درصد از واریانس این متغیر را تبیین کند که بیانگر نقش بسیار مهم فرهنگ مدرسه در شکل‌گیری هویت موفق است. در مقابل، مدل رگرسیون برای هویت سردرگم تنها با دو متغیر پیش‌بین توانست ۱۵.۲ درصد از واریانس را تبیین کند که نشان می‌دهد عوامل دیگری فراتر از فرهنگ مدرسه در شکل‌گیری این نوع هویت نقش دارند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ مدرسه به‌ویژه از طریق ابعاد همکاری آموزشی، وحدت هدف و همکاری حرفه‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت هویت دانش‌آموزان ایفا می‌کند. مدرسی که در آن‌ها همکاری میان معلمان و دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری نهادینه شده، اهداف روشن و مشترکی وجود دارد و همکاری حرفه‌ای میان معلمان جریان دارد، زمینه‌ساز شکل‌گیری هویتی منسجم، موفق و مبتنی بر کاوش در دانش‌آموزان می‌شوند. همان‌گونه که پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده‌اند، عواملی چون نظام ارزشی حاکم بر مدرسه، الگوهای تعاملی میان معلمان و دانش‌آموزان و شیوه‌های مدیریتی، نقشی اساسی در تقویت احساس تعلق، خودپنداره تحصیلی و هویت اجتماعی دانش‌آموزان دارند. بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

۱. تقویت همکاری آموزشی: مدارس باید بسترهای لازم برای همکاری مؤثر میان معلمان و دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری را فراهم آورند. برگزاری جلسات هم‌اندیشی، پروژه‌های گروهی و فعالیت‌های مشارکتی می‌تواند به این امر کمک کند.

۲. شفاف‌سازی و همسوسازی اهداف: مدارس باید اهداف روشن و قابل درکی برای دانش‌آموزان ترسیم کنند و آن‌ها را در دستیابی به این اهداف همراهی نمایند. وحدت هدف در سطح مدرسه، حس تعلق و جهت‌دهی به هویت دانش‌آموزان را تقویت می‌کند.

۳. توسعه همکاری حرفه‌ای معلمان: توانمندسازی معلمان در زمینه‌های تخصصی و ایجاد شبکه‌های همکاری حرفه‌ای میان آن‌ها، به‌طور غیرمستقیم بر کیفیت تعاملات معلم-دانش‌آموز و در نتیجه بر هویت‌یابی دانش‌آموزان تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

۴. افزایش مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها: با توجه به پایین‌ترین میانگین این بعد در بین ابعاد فرهنگ مدرسه، پیشنهاد می‌شود که مدارس زمینه‌های واقعی مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با امور آموزشی و پرورشی را فراهم آورند.

۵. طراحی برنامه‌های مداخله‌ای هدفمند: با توجه به قدرت تبیین متفاوت مدل‌های رگرسیون برای ابعاد مختلف هویت، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مداخله‌ای به‌گونه‌ای طراحی شوند که بر تقویت هویت موفق و تعلیمی متمرکز باشند و همزمان به کاهش هویت سردرگم کمک کنند.

۶. پژوهش‌های آتی: انجام پژوهش‌های کیفی برای درک عمیق‌تر از مکانیسم‌های تأثیر فرهنگ مدرسه بر هویت دانش‌آموزان و نیز بررسی نقش متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر در این رابطه توصیه می‌شود.

در نهایت، همان‌گونه که پژوهش‌های پیشین تأکید کرده‌اند، مدرسه‌ها نقش بسیار زیادی در هویت‌یابی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند و در صورتی که مدارس خود دارای انسجام و سازگاری در رویکردها، روش‌ها، محتواها، نظام انگیزشی و فرهنگ نبوده و نوعی بی‌هویتی در مدرسه مشاهده شود، هویت‌بخشی به دانش‌آموزان نیز به خوبی انجام نخواهد گرفت. بنابراین، توجه به فرهنگ مدرسه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین نظام آموزشی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری هویت تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کند و می‌تواند مسیر رشد فردی، آموزشی و اجتماعی آنان را به‌طور معناداری تحت تأثیر قرار دهد.

منابع

- احمدی، م.، و حسینی، ر. (۱۴۰۰). نقش فرهنگ سازمانی مدرسه در رشد هویت اجتماعی دانش‌آموزان. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۶(۴)، ۷۵-۹۲.
- شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- طالب‌زاده، ن.، و فتحی، ک. (۱۳۹۸). بررسی رابطه فرهنگ مدرسه و احساس تعلق دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش‌های تعلیم و تربیت، ۱۵(۲)، ۴۵-۶۲.
- محمدی، س.، و رضایی، ف. (۱۳۹۹). احساس تعلق به مدرسه و ارتباط آن با هویت فردی دانش‌آموزان دوره متوسطه. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۲(۳)، ۱۱۵-۱۳۲.
- Bronfenbrenner, U. (1979). The ecology of human development: Experiments by nature and design. Harvard University Press.
- Cohen, J., McCabe, E. M., Michelli, N. M., & Pickeral, T. (2009). School climate: Research, policy, practice, and teacher education. Teachers College Record, 111(1), 180-213.
- Deal, T. E., & Peterson, K. D. (2016). Shaping school culture (3rd ed.). Jossey-Bass.

- Eccles, J. S., & Roeser, R. W. (2011). Schools as developmental contexts during adolescence. *Journal of Research on Adolescence*, 21(1), 225–241. <https://doi.org/10.1111/j.1532-7795.2010.00725.x>
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. W. W. Norton & Company.
- Fullan, M. (2020). *Leading in a culture of change* (2nd ed.). Jossey-Bass.
- Gruenert, S., & Whitaker, T. (2015). *School culture rewired: How to define, assess, and transform it*. ASCD.
- Hoy, W. K., & Miskel, C. G. (2013). *Educational administration: Theory, research, and practice* (9th ed.). McGraw-Hill.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3(5), 551–558. <https://doi.org/10.1037/h0023281>
- Osterman, K. F. (2000). Students' need for belonging in the school community. *Review of Educational Research*, 70(3), 323–367. <https://doi.org/10.3102/00346543070003323>
- Roeser, R. W., Eccles, J. S., & Sameroff, A. J. (2000). School as a context of early adolescents' academic and social-emotional development. *The Elementary School Journal*, 100(5), 443–471. <https://doi.org/10.1086/499650>
- Schein, E. H. (2017). *Organizational culture and leadership* (5th ed.). Wiley.
- Thapa, A., Cohen, J., Guffey, S., & Higgins-D'Alessandro, A. (2013). A review of school climate research. *Review of Educational Research*, 83(3), 357–385. <https://doi.org/10.3102/0034654313483907>
- Wang, M.-T., & Degol, J. L. (2016). School climate: A review of the construct, measurement, and impact on student outcomes. *Educational Psychology Review*, 28(2), 315–352. <https://doi.org/10.1007/s10648-015-9319-1>
- Wentzel, K. R. (1998). Social relationships and motivation in middle school: The role of parents, teachers, and peers. *Journal of Educational Psychology*, 90(2), 202–209. <https://doi.org/10.1037/0022-0663.90.2.202>